

ارائه روشی دلالت پژوهانه در مطالعات سبک زندگی اسلامی مبتنی بر روابط معنایی واژگان قرآنی

طیبه زارعی محمودآبادی*

کمال خواجه پور بنادکی**

احمد زارع زردینی***

چکیده:

نوشتار حاضر برآن است تا با استفاده از الگوهای روابط معنایی واژگان قرآنی، راهی را در بررسی های قرآن و سبک زندگی پیشنهاد نماید. روش ارائه شده در این مقاله تلفیقی از چهار شاخه مطالعات سبک زندگی، روش شناسی، معناشناسی، دلالت پژوهی است. ابتدای این روش بر مفردات قرآن است؛ بنابراین بر پایه روابط مفهومی بین واژگان قرآن می کوشد تا دلالت هایی را برای سبک زندگی اسلامی به دست آورد. مراحل این روش عبارت اند از: تحلیل دو یا چند واژه مورد نظر بر اساس مدل های روابط مفهومی. در گام بعد، هریک از اجزای مدل ها، یک بار به تمام اجزای مدل واژه دیگر عرضه می شود. از عرضه این دو، آنچه دنبال می شود کوشش در جهت دستیابی به دلالت هاست. برای اطمینان از میزان صحت و درستی دلالت های یافته شده لازم است با پژوهش در آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و دستاوردهای عقل بشری، میزان اعتبار و صحت دلالت های استخراج شده ارزیابی می شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، مفردات، معناشناسی، روابط معنایی، سبک زندگی اسلامی،

دلالت پژوهی.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یزد دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

zareii12@yahoo.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

kamalkhajepoor@aiuyazd.ac.ir

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه میبد، میبد، ایران.

zareardini@meybod.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۷

مقدمه

یکی از بایسته‌های و ضرورت‌های مطالعات سبک زندگی اسلامی، ارائه روش‌هایی در جهت چگونگی انجام چنین مطالعاتی است. امروزه بخش عمده‌ای از اعتبار یک گزاره علمی به اعتبار روشی است که این گزاره در فرایند آن به وجود آمده است؛ و این روش است که می‌تواند نشان دهد مطالب دریافتی از اتقان و استحکام برخوردار است؛ به عبارت دیگر، روش‌هایی صورت‌بندی و ارائه شوند که هم از نظر بسترها و پیشینه‌های نظری دارای حجیت بوده و ارزش متودیک دارند و از طرف دیگر، قابلیت بومی‌سازی در مطالعات سبک زندگی اسلامی را داشته باشند. از آنجاکه یکی از منابع مطالعات سبک زندگی اسلامی قرآن کریم است، روش‌هایی متناسب با آن باید طراحی شود. در این میان، مفردات قرآن یکی از اساسی‌ترین دانش‌های مطرح در تفسیر از گذشته تاکنون بوده است. پیش‌تر این دانش، از یک توانمندی اندک و در نتیجه الگوی بسیار ساده در فهم و استفاده‌های قرآنی و تنها در سطح فهم واژگان قرآنی در جهت فهم بهتر عبارات قرآن برخوردار بوده است؛ اما امروزه حجم، گستره و عمق برداشت‌ها و تفسیرها از مفردات (واژگان) در مطالعات زبانی بسیار متحول شده و گاه تا اعماق ذهن، فرهنگ و اندیشه بشری با بررسی مفردات زبان‌ها کاویده می‌شود. در این راستا، رویکردهایی همچون حوزه‌های معنایی، شبکه‌های معنایی، کره معنایی، معناشناسی شناختی و... در مطالعات زبانی تداوم یافته‌اند.

هدف پژوهش حاضر آن است که به صورت‌بندی و ارائه روش مطالعات دلالت‌پژوهی قرآنی مبتنی بر مطالعات معناشناسی واژگان قرآنی بپردازد.

بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است الزامات ارائه یک روش در مطالعات سبک زندگی و قرآن کدام است؟ بر این اساس، سؤالات فرعی دیگری طرح می‌شوند همچون: از چه روش یا روش‌هایی می‌توان در استخراج سبک زندگی از قرآن استفاده نمود؟ این روش‌ها از چه ماهیتی برخوردارند آیا سستنباطی هستند و یا بومی‌سازی شده‌اند؟ انجام پژوهش در سبک زندگی اسلامی با روش موردنظر مستلزم طی چه مراحل یا گام‌هایی است؟ این روش‌ها تا چه اندازه حجیت و اعتبار دارند؟ و این که میزان کارآمدی این روش‌ها به چه میزان است؟ در پاسخ به پرسش‌های فوق می‌توان به عنوان راه‌حل (فرضیه) چنین مطرح نمود که یکی از راه‌هایی رسیدن به چنین روش‌هایی، مطالعات میان‌رشته‌ای است. فرضیه‌ای دقیق‌تر نسبت به سؤالات فوق چنین است که با تلفیق روش دلالت‌پژوهی در مطالعات علوم انسانی با مطالعات معناشناسی به‌ویژه مدل کره معنایی در بررسی معنا می‌توان روشی ابداع نمود تا بتوان با تحلیل آیات قرآنی به سبک خاصی از مطالعات دلالت‌پژوهی در حوزه مطالعات قرآن و سبک زندگی رسید.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد اگرچه درباره سبک زندگی اسلامی پژوهش‌هایی با نگاه‌های متفاوت انجام گرفته، اما درباره روش‌شناسی مطالعات سبک زندگی اسلامی اثری مستقل شکل نگرفته است و آنچه در این میان شایسته توجه است بخش‌هایی از کتاب «مبانی سبک زندگی اسلامی» است که در این باره کلیاتی را مطرح نموده و گام‌های آغازین را ترسیم نموده است (فعالی ۱۳۹۷، ۱۱۷-۱۳۰ و همچنین ۲۳۱-۲۳۳ و همچنین ۲۵۶-۲۵۷ و ۲۶۳-۲۷۳)؛ اما به‌طور خاص به روشی اشاره ننموده است؛ اما آثاری با رویکرد دلالت‌پژوهی در قرآن در موضوعات مختلف دیده می‌شود (نک: دلبری ۱۳۹۵، ۸۱-۱۰۶ همچنین: محقیان، ۱۳۹۴، ۱۵۱-۱۷۸).

بر این اساس، پژوهش با هدف ارائه روشی در مطالعات سبک زندگی قرآنی به نگارش درآمده است. از فواید آن می‌توان چنین گفت که نوشته حاضر می‌تواند تکمیل‌کننده، جهت‌دهنده و کاربردی‌کننده مقالات، پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌هایی باشد که با عناوین مختلف به معناشناسی قرآن و یا به تحقیق موضوعی در قرآن می‌پردازند؛ به عبارت دیگر این پژوهش می‌تواند یکی از حلقه‌های مفقوده در کاربردی‌سازی پژوهش‌های قرآنی را ایجاد نماید.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به میان‌رشته‌ای و تلفیقی بودن آن اشاره نمود که در صدد است تا محصولی را از ترکیب دانش‌هایی همچون روش‌شناسی، سبک زندگی، معناشناسی، دلالت‌پژوهی به دست آورد. از جانب دیگر به جهت اینکه بحث اسلام و قرآن نیز مطرح است حساسیت‌های آن دوچندان می‌شود.

در آغاز مقاله به معرفی مطالعات سبک زندگی، روش‌شناسی، میان‌رشته‌ای، دلالت‌پژوهی و معناشناسی است می‌پردازد. در بخش بعدی، به معرفی و نقد برخی از مقالاتی که با نگاهی دلالت‌پژوهانه به پژوهش در قرآن پرداخته‌اند، اشاره می‌شود. پس از آن، روش پیشنهادی بر مبنای مدل کره معنایی تبیین گردیده و در با ارائه یک نمونه کاربردی، روش موردنظر پیاده‌سازی شده است.

(۱) کلیات

الف) سبک زندگی اسلامی

مفهوم سبک زندگی در ادبیات علوم اجتماعی، پدیده‌ای نسبتاً نوپدید و جدید است. سبک زندگی به‌عنوان مفهومی ساده قدمتی به اندازه تاریخ بشر دارد؛ زیرا هر فرد یا گروهی، سیره و سبکی در زندگی داشته است (فعالی ۱۳۹۷، ۵۶).
در تعریف سبک زندگی اسلامی آمده است:

سبک زندگی اسلامی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار جهت نیل به هدف

است که از ارزش‌های دینی و الهی متأثر بوده، به صورت عینی و در متن زندگی تجلی می‌یابد. سبک زندگی با نگاه اسلامی دو دسته غایت دارد، غایت نهایی که یکی بیش نیست و غایات متوسط که می‌تواند متکثر باشد، غایت نهایی سبک زندگی اسلامی این است؛ ساماندهی الگوهای فردی و جمعی بر اساس الگوهای اسلامی (همان، ۱۳۲).

هدف اصلی پروژه سبک زندگی اسلامی این است که در ارتباط با تمام شرایط خاص و جزئی در زندگی روزمره، الگوهای مطلوب و شیوه‌های زیستن سالم از منابع دینی شامل قرآن، روایات، سیره و ادعیه استخراج نموده و به جامعه عرضه کند. دانش سبک زندگی اسلامی در واقع به دنبال تحقق هدف بعثت انبیا و نهضت اولیاست (همان، ۲۲۹).

ب) چیستی روش

«روش» به معنای «در پیش گرفتن راه»^۱ است. «روش» عبارت است از فرآیند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دست‌یابی به شناخت یا توصیف واقعیت. به واسطه روش می‌توان از طریق عقل یا غیر آن، واقعیت‌ها را شناخت و مدلل کرد و از لغزش برکنار ماند. در معنایی کلی‌تر، روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است. روش ممکن است به مجموعه طرقی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند اطلاق شود (ساروخانی ۱۳۷۵، ۱، ۲۴).

هر پژوهش مکتوب یا تفکر نانوشته‌ای خواه‌ناخواه روشی دارد. اگر فکر را به «حرکتی به سوی مبادی و از مبادی به سمت مقصد» (الفکر حركة الی المبادی ومن مبادی الی المراد) تعریف کنیم (سبزواری بی‌تا، ۹). بدون شک این حرکت دو قسمتی، همراه با روش است.

هر روشی به مقتضای ماهیت خود، محدودیت‌هایی دارد. هیچ روشی به شکل مطلق خوب یا بد، کامل یا ناقص و یا ممدوح یا مذموم نیست. همه روش‌ها از جهاتی دارای نقاط مثبت و از جهاتی دیگر دارای نقاط منفی‌اند. این احتمال هم وجود دارد که روشی خاص در ارتباط با شرایط یا موضوعی ویژه، کارآمدی بیشتری داشته باشد؛ به‌طور مثال، روش قیاسی بیشتر از روش استقرایی با علم فلسفه سازگاری و هماهنگی دارد. از جمله فواید تصریح به روش این است که شخص با احاطه به جوانب موضوع، از مطلق‌گرایی دور و به نسبی‌گرایی روش‌شناختی نزدیک می‌شود. روش هیچ مکتبی به شکل مطلق، کامل و بی‌نقص نیست و همواره با چالش‌ها و کمبودهایی روبه‌رو است. امروزه کثرت‌گرایی

روش‌شناختی^۱ بر این اساس مقبولیت وسیعی پیدا کرده است.^۲

ج) مطالعات میان‌رشته‌ای

امروزه برخی دو اصطلاح میان‌رشته‌ای و بین‌رشته‌ای در ادبیات علمی را دو مقوله جدا می‌دانند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که بین‌رشته‌ای بر دوجهی بودن ارتباطات علمی دلالت دارد و میان‌رشته‌ای بر چندوجهی بودن آن. اصطلاح «بین‌رشته‌ای» وقتی آگاهانه استعمال شود، ترجمه‌ای از صفت انگلیسی^۳ است. در واقع، وقتی دو رشته به نحوی و به مناسبت بررسی یک موضوع در قلمرو نظری یا تحقیقات پایه با همدیگر در ارتباط قرار گیرند، هراندازه هم محققان آن دورشته التزام به روش‌شناسی و اصول و قواعد تعریف‌شده خودشان داشته باشند، از این اختلاط، تحولاتی و تأثیرپذیری روی می‌دهد. گویی همدیگر را بارور ساخته‌اند، یا دست‌کم نطفه تجدیدنظر در برخی شیوه‌های فهم و تحلیل بسته می‌شود. در واقع، فایده آمیزش دو رشته نه فقط در حل مسائل اضطراری، بلکه در خلق ایده‌های جدید یا شناسایی مسائل و تنگناهایی است که می‌تواند به تأسیس یک حوزه مطالعاتی جدید بینجامد. این در حالی است که لفظ میان‌رشته‌ای^۴ ناظر بر ترکیب و تلفیقات بیش از دورشته‌ای است که قدم اول آن سعی و کوشش و هم‌اندیشی برای تعیین پارادایم، شیوه، روش و دست‌کم الگوریتمی برای حصول نتیجه است. به زبان علمی‌تر، میان‌رشته‌گی^۵ مستلزم اتخاذ یک متدلوژی مشترک در حل مسئله یا تبیین یک موضوع کلی (با مؤلفه‌هایی از رشته‌های مختلف و متنوع) است.

محصول تفکر یا اقدام علمی مبتنی بر تفکر میان‌رشته‌ای، یک خلاقیت است که وامدار هیچ قاعده یا ایده مشخصی که برگرفته از رشته‌های دخیل باشد نیست (برای آشنایی با پاره‌ای از الزامات پژوهش‌های میان‌رشته‌ای نک: درزی ۱۳۹۵).

مقاله حاضر مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای است، بدین معنا که کوشش نموده است تا حوزه مطالعات قرآنی، مطالعات معنانشناسی، مطالعات دلالت‌پژوهی را در کنار هم قرار داده و محصول نهایی را به‌عنوان یک روش عرضه بدارد تا در مطالعات سبک زندگی اسلامی با هر موضوعی قابلیت پیاده‌سازی و اجرا داشته باشد.

1. Methodological Pluralism

2. <http://www.hawzah.net/fa/Article/View/92627/> تاریخ مراجعه ۱۰-۱-۱۳۹۶

3. Cross-disciplinary

4. Inter-disciplinary

5. Inter-disciplinarity

د) مطالعات دلالت پژوهی

عنوان برخی از مقاله‌ها یا کتاب‌ها بیانگر نوع سبک علمی خاصی است که از آن می‌توان به دلالت پژوهی یاد نمود. برای نمونه دلالت‌هایی (برای)، کاربردهایی (برای)، تبعات (برای)، تأثیرات (برای) و... منظور از این عبارات چیست؟ واقعیت آن است که گاهی نویسندگان یا پژوهشگران می‌خواهند «رهنمودهایی» از یک فلسفه، چارچوب، نظریه، مدل یا ایده‌ای استخراج کنند که چندان مصرف مستقیم در عمل ندارند؛ به عبارت دیگر، گاهی اوقات پژوهشگران می‌خواهند از سایر رشته‌ها فلسفه‌های مختلف، رشته‌های پایه‌ای، نظریه، مدل، ایده‌های ابتدایی مطرح در سایر رشته‌ها رهنمودهایی قرض کنند و آن را در حوزه تخصصی خود بکار گیرند. نویسندگان به این عمل، «دلالت پژوهی» اطلاق می‌کنند. منابع دلالت پژوهی بسیار گسترده‌اند؛ از جمله اینکه گاه، یک رشته مآخذ الهام و دلالت پژوهی رشته دیگر می‌شود. گاه ایده‌ها و نظرات یک دانشمند مآخذ الهام یا دلالت برای یک حوزه مطالعاتی یا عناصر آن حوزه قرار می‌گیرد. گاه یک چارچوب علمی و نظری، مآخذ الهام و دلالت پژوهی قرار می‌گیرد، یک نظریه نیز می‌تواند مآخذ الهام باشد. برخی از مدل‌های موجود در علوم به عنوان منبع دلالت پژوهی استفاده می‌کنند (برای آشنایی تفصیلی با این روش نک: دانایی فرد ۱۳۹۵).^۱ گاهی نیز یک متن و یا یک نظام ارزشی و یا رفتار و گفتار پیشوایان دینی مبدأ دلالت پژوهی قرار می‌گیرد. این مقاله بنا دارد تا انجام چنین سبکی از مطالعات سبک زندگی اسلامی را صورت‌بندی و ارائه نماید.

ه) مطالعات معناشناسی

امروزه، برای فهم متون زبانی، علومی به وجود آمده است که برخلاف بسیاری از دانش‌ها که محتوا محورند، بیشتر روش محور هستند. یکی از این علوم، معناشناسی^۲ است. دانش «معناشناسی» به پیدایش معنا و سیر پیشرفت و دگرگونی‌های آن می‌پردازد و روابط معنایی بین مفاهیم مختلف را شناسایی و شبکه‌ای از معانی مرتبط باهم را استخراج می‌کند (پالمر ۱۳۷۴، ۲۵). این علم در قرن اخیر بسیار مورد توجه قرآن‌پژوهان ایرانی و غیرایرانی قرار گرفته برخی از پژوهشگران مزایای استفاده از روش‌های معناشناسی نوین مواردی را چنین برشمرده‌اند:

۱. سیستماتیک، منظم و قانونمند بودن؛

۱. از موضوعات بسیار مهم در مطالعات دلالت پژوهی و به ویژه در موضوع حجیت یا عدم حجیت فرآورده‌های دلالت پژوهانه، بررسی رابطه این سبک از مطالعات با انواع دلالت در مطالعات زبانی اصولیان است. اصولیان در مباحث الفاظ به طرح مباحث دلالت می‌پردازند. اگرچه بررسی دقیق نوع نسبتی که این دست از مطالعات با مفاهیم دلالت در اصول می‌تواند داشته باشد نیازمند تأمل دقیق و همه‌جانبه‌تر است؛ اما به نظر می‌رسد این مفهوم ارتباط زیادی با دلالت التزامی در اصول فقه دارد. با این تفاوت که دلالت پژوهان مشرب بسیار وسیع‌تری داشته و در احصا و استنباط دلالت‌ها بسیار آزادانه‌تر عمل می‌کنند.

۲. تعریف‌شده و مشخص بودن؛
۳. استاندارد بودن؛
۴. قابلیت بازشناسی صحت و سقم نظرات؛
۵. بسته بودن راه تحلیل و بررسی بر افراد غیرمتخصص؛
۶. اصلاح‌کننده و نیز تکمیل‌کننده روش‌های تفسیری مسلمین (لسانی فشارکی؛ اکبری راد ۱۳۸۵، ۱۶۷).

۲) الگوهای دلالت‌پژوهی در مطالعات قرآنی

الف) الگوهای دلالت‌پژوهی عام در قرآن

یکی از الگوهای بسیار پرکاربرد و تقریباً جاافتاده در مطالعات دلالت‌پژوهی قرآن بررسی دلالت‌های یک آیه و یا داستان قرآنی و یا سوره قرآنی در یک یا چند موضوع است. بدین معنا که یک آیه یا چند آیه قرآنی را انتخاب نموده و مورد تأمل و تدبر قرار می‌دهند و سعی در کشف نکات و پیام‌های ایات از آن می‌پردازند. دلالت‌پژوهی که امروزه به‌عنوان یک سبک مطالعاتی شناخته می‌شود شاید با تعبیر «استفاده‌های قرآنی» که در زبان و بیان امام خمینی ره دیده می‌شود نیز بسیار شبیه است؛ یعنی این آیه مفید چه نکاتی در چه زمینه و یا زمینه‌هایی است. ایشان مقوله استفاده‌های قرآنی را امری اساساً متفاوت از تفسیر می‌دانند؛ و با طرح یک مثال به تبیین نظر خویش می‌پردازند.

یکی دیگر از حجب که مانع استفاده از این صحیفه نورانیه است، اعتقاد به آن است که جز آن که مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست...؛ در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به‌هیچ‌وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد. مثلاً اگر کسی از کیفیت مذاکرات حضرت موسی علیه السلام با خضر علیه السلام و کیفیت معاشرت آن‌ها و شدّ رحال حضرت موسی علیه السلام، با آن عظمت مقام نبوت، برای به دست آوردن علمی که پیش او نبوده و کیفیت عرض حاجت خود به حضرت خضر علیه السلام - به‌طوری که در کریمه شریفه «هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مَا عَلَّمْتُمُ زُشْدًا» مذکور است و کیفیت جواب خضر و عذرخواهی‌های حضرت موسی علیه السلام، بزرگی مقام علم و آداب سلوک متعلم با معلم را که شاید بیست ادب در آن هست، استفاده کند، این چه ربط به تفسیر دارد تا تفسیر به رأی باشد و بسیاری از استفادات قرآن از این قبیل است... الی غیر ذلک از اموری که از لوازم کلام استفاده شود که مربوط به تفسیر به‌هیچ‌وجه نیست... (خمینی ۱۸۶-۱۸۸).

از دیگر تعابیری که به‌نوعی مطالعات دلالت‌پژوهی را در قرن اخیر نشان می‌دهد، طرح

عنوانی در تفاسیر و قرآن پژوهی قرن اخیر با عنوان «پیام آیات» (برای نمونه، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، «درس‌هایی از قرآن» (قرائتی، برنامه تلویزیونی) و «برداشت از قرآن» (صفایی حائری) است؛ بدین معنا که از آیه حاضر خارج از اینکه چه معنایی داشته و به چه موضوعی می‌پردازد که با ابزارهای زبانی و تاریخی قابل فهم است. نکته مهم‌تر این که از این آیه چه پیام‌هایی می‌توان برداشت نمود در زمینه‌های مختلف. این نگاه مشخصه اصلی بسیاری از آثار تفسیری و قرآن‌پژوهی معاصر در ایران است؛ و همواره موافقان و مخالفانی داشته است. بر همین اساس، نوشته حاضر در جهت انسجام‌بخشی و روشمندسازی این نگاه به قرآن به طرح بهره‌گیری از مطالعات معناشناسی در جهت ساماندهی و ارتقا پژوهش‌های پیشین گام برمی‌دارد.

ب) الگوی دلالت‌پژوهی مبتنی بر معناشناسی واژگان قرآنی

از دیگر رویکردهای مطرح در دلالت‌پژوهی‌های قرآنی که اخیراً در حال طرح است، الگوی دلالت‌پژوهی مبتنی بر معناشناسی است. روند مباحث نشان می‌دهد که کاربرد این اصطلاح نیز کم‌کم در حال ورود به ادبیات علمی قرآن‌پژوهان است. برای نمونه مقالاتی با عنوان «تأملی در معنای حب در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن» (شمشیری ۱۳۹۲)؛ «مفهوم صبر در قرآن و دلالت‌های فلسفی و تربیتی آن» (شمشیری ۱۳۹۰)؛ «دلالت‌های تربیتی معناشناسی «قلب» در قرآن کریم» (دلبری ۱۳۹۵) به چاپ رسیده است که سعی نموده صرفاً با بررسی معناشناسانه قلب و حب در قرآن و تحلیل مفهومی و معنایی، به برخی از دلالت‌ها راه یابد. به نظر می‌رسد این دسته از مطالعات خود می‌تواند با رویکردهایی متنوع دنبال شود.

در ادامه، به سه روش مبتنی بر این رویکرد اشاره می‌شود که از مدل ساده شروع شده و به مدل‌های پیچیده ختم می‌شود. مدل اول آن است که دلالت‌پژوهی مبتنی بر روابط دو مفهومی شکل می‌گیرد که بیشترین ارتباط را با یکدیگر دارند و درون یک حوزه معنایی بوده و مفاهیمی همبسته هستند. مدل دوم به روابط یک مفهوم با مفاهیمی که درون حوزه‌های معنایی دیگر قرار دارند اشاره می‌کند؛ یعنی روابط معنایی در دو حوزه معنایی متفاوت (اما در درون یک شبکه معنایی) بررسی و دلالت‌ها شناسایی می‌شوند. در مدل سوم حتی از این ارتباطات مفاهیم درون یک شبکه نیز فراتر رفته و هر مفهومی که با مفاهیم دیگر مرتبط هستند چه بی‌واسطه و چه باواسطه در فرایند دلالت‌پژوهی قرار می‌گیرد.

یک) مطالعات دلالت‌پژوهی مبتنی بر «حوزه معنایی» مفاهیم

«حوزه معنایی» را چنین تعریف کرده‌اند:

مجموعه کاملی از واژگان زبانی که بیانگر حوزه مشخصی از تجربه است. یا مجموعه‌ای از واحدهای معنایی است که در یک وجه مشترک، گرد هم آمده‌اند و اشتراک در یک شرط لازم (شرطی که باعث افتراق مفاهیم است) سبب طبقه‌بندی واحدهای معنایی در یک حوزه معنایی می‌شود (صفوی ۱۳۷۹، ۱۹۰).

خلاصه آن‌که حوزه معنایی یا مجموعه‌ای از کلمات هستند که دلالت آن‌ها، باهم ارتباط دارد و معمولاً تحت واژه عامی که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد، جای می‌گیرند؛ مانند رنگ‌ها که اصطلاح عام «رنگ» شامل واژگانی چون «سرخ، آبی، زرد، سبز، سفید و...» می‌گردد. این نظریه می‌گوید: برای اینکه معنای یک کلمه فهمیده شود باید مجموعه کلمات مرتبط با آن از حیث معنایی هم فهمیده شوند. در این روش دلالت‌یابی، روابط معنایی و مفهومی اجزا مختلف درون این حوزه معنایی با یکدیگر بررسی می‌شوند. این روش بیشتر در جهت ترسیم مهم‌ترین دلالت‌ها، زمانی که ما به دنبال جمع‌بندی و ارائه یک نظریه در موضوعات جزئی هستیم کارایی دارد.

دو) مطالعات دلالت‌پژوهی مبتنی بر «شبکه معنایی» مفاهیم

از دیگر روش‌هایی که می‌توان ذیل دلالت‌پژوهی تعریف نمود، روش مبتنی بر شبکه معنایی مفاهیم است؛ به عبارت دیگر در این روش دلالت‌های به‌دست‌آمده به‌صورت کاملاً منسجم و همه‌جانبه دیده می‌شوند. اجزای واژگانی هر زبان، شبکه بزرگی از معانی مرتبط باهم - که اغلب شبکه شناختی نامیده می‌شود - را نشان می‌دهد. شیوه‌های مختلف بررسی این شبکه بر جنبه‌های مختلف ساختار معنایی زبان تأکید می‌کنند. (لارسن ۱۳۹۱، ۱۵۴). از نظریه شبکه‌های معنایی، یکی از معروف‌ترین نظریه‌ها درباره روابط معنایی بین واژگان است. کلمات در ذهن افرادی که در جامعه از آن‌ها استفاده می‌کنند، در کنار هم گروه‌بندی می‌شوند؛ زیرا اشیاء و اتفاقاتی که به آن‌ها اشاره می‌شود، اغلب به یکدیگر مربوط هستند؛ مثلاً در هر زبانی واژگانی وجود دارد که در زمان صحبت درباره «کشاورزی» از آن‌ها استفاده می‌شود؛ کلمات شخم زدن، گیاه، درو، گندم، غله، بیل زدن، کمباین، ماشین خرم‌کوب و... همه به این موضوع مربوط می‌شوند. وقتی درباره انواع خاصی از کشاورزی صحبت می‌کنیم «زیرگروه‌هایی» وجود دارد. علاوه بر این ارتباط نسبتاً بدون نظم، زیرگروه‌هایی از واژگان وجود دارند که ارتباط بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند و به دلیل تداخل اجزای معنایی به هم پیوند خورده‌اند؛ مثلاً در زبان انگلیسی، گروهی از کلمات که در زمان صحبت درباره «ماشین‌هایی» که در کشاورزی به کار می‌روند؛ شامل

گاوآهن، کلوخ کوب، تراکتور، کمباین و... می شود. این کلمات، زیرموضوع کلی کشاورزی یک زیرگروه تشکیل می دهند. وقتی درباره کشاورزی بحث می کنیم می توانیم زیرگروه دیگری با کلماتی مثل شاخه، تنه درخت، ریشه، بذر، میوه پیدا کنیم که همه آنها باهم ارتباط نزدیکی دارند؛ یعنی هرکدام بخشی از «درخت» هستند. بین هرکدام از این کلمات و کلمه درخت ارتباط جزء-کل وجود دارد (لارسن ۱۳۹۱، ۱۵۴-۱۵۹). لازم است اشاره شود که در مدل شبکه معنایی، روابط معنایی اجزاء، سلسله مراتبی است.

اگر دلالت پژوهی در این مرحله بخواهد شکل گیرد، باید در این روش برای یافتن دلالت ها در به بررسی روابط معنایی و مفهومی دو حوزه معنایی ذیل یک شبکه معنایی پرداخته می شود. این روش نیز می تواند به نسبت در امر نظریه پردازی و دلالت پژوهی کامل تر از دو سبک پیشین باشد؛ اما دلالت هایی که برای یک موضوع تبیین می شود نمی تواند، نسبت موضوع را با سایر شبکه های معنایی تبیین نماید.

سه) مطالعات دلالت پژوهی مبتنی بر نظریه «کره معنایی»

کره معنایی، نوعی ساختار صوری برای نشان دادن چگونگی نظام مفاهیم ذخیره شده در ذهن انسان است که در آن هر مفهوم در شبکه ای از روابط چندبعدی با مفاهیم دیگر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط است. اصطلاح «کره» در عنوان کره معنایی به معنی یک شیء کروی با سطحی صاف به آن مفهوم که در هندسه وجود دارد نیست؛ بلکه هدف از به کار بردن این اصطلاح در عنوان این مدل، نشان دادن چندبعدی بودن روابط و ارائه تصویری روشن از شیوه قرار گرفتن مفاهیم در آن است. مهم ترین ویژگی مدل پیشنهادی کره معنایی این است که در این مدل، روابط سلسله مراتبی در درجه دوم اهمیت قرار دارند، به این معنا که هرچند این مدل به کلی وجود برخی روابط سلسله مراتبی در میان مفاهیم یا معانی را رد نمی کند؛ اما عقیده بر این است که این روابط تنها نوع روابط میان مفاهیم نیستند و ارتباط میان مفاهیم یا گره ها به شیوه های متفاوتی می تواند صورت بپذیرد (پهلوان نژاد ۱۳۸۸، ۶).

از ویژگی های دیگر مدل کره معنایی می توان به جهت روابط میان مفاهیم اشاره نمود. یکی از ویژگی های مشترک در میان مدل های پیشین شبکه معنایی یک سویه بودن روابط است، به این معنا که هرچند ممکن است بیش از یک خط به یک گره منتهی شود؛ اما همه این خطوط یا پیوندها یک سویه هستند و تنها روابط را در جهتی معین بیان می کنند؛ ولی در مدل کره معنایی روابط تنها یک سویه نیستند و می توانند دوسویه و یا حتی بدون جهت باشند، یعنی تنها نشان دهنده یک ارتباط میان دو مفهوم باشند.

با وجود این دو ویژگی مهم، مدل کره معنایی از توانایی توضیحی بالاتری نسبت به

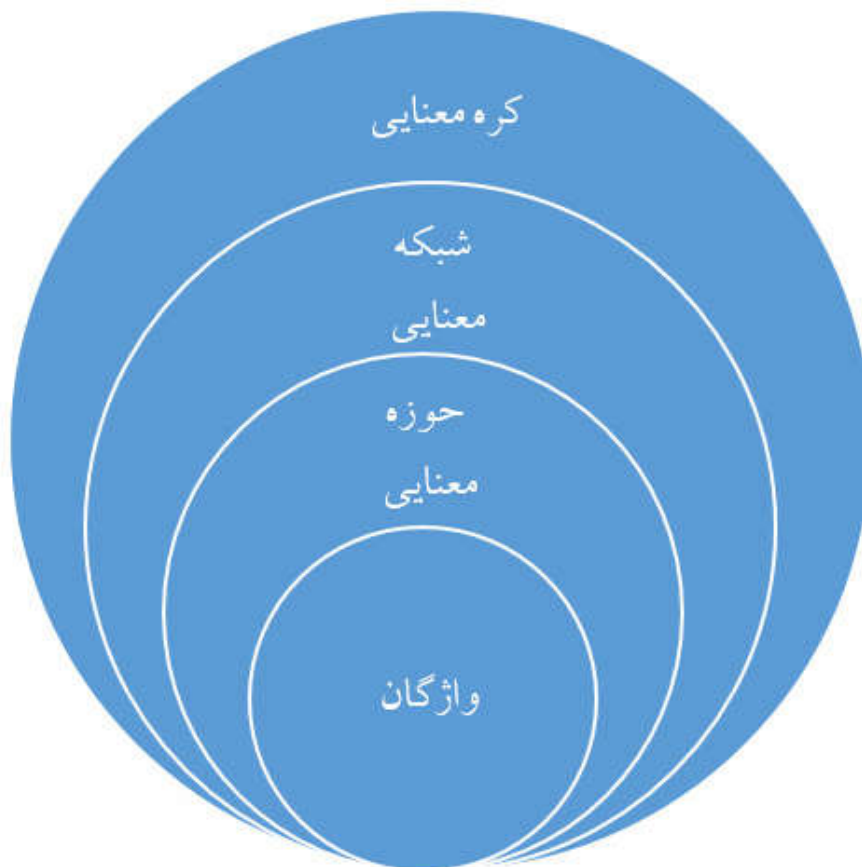
مدل‌های پیشین برخوردار است؛ چراکه در این مدل، روابط میان مفاهیم، نه در یک شیوه دوبعدی و با روابط محدود و یک‌سویه، بلکه در فضایی چندبعدی و با روابط نامحدود قرار دارند و تغییرات در مفاهیم و اضافه یا کم شدن مفاهیم جدید به شیوه‌ای اقتصادی‌تر و منطقی‌تر صورت می‌پذیرد (همان، ۷).

مفاهیم در این مدل به‌عنوان یک کل در نظر گرفته می‌شوند که بر مبنای تجربیات انسان از جهان پیرامون خود و ساختار ذهنی وی رمزگذاری شده‌اند. این مفاهیم همچنین در ارتباط با سایر مفاهیم دیگر می‌توانند محتوای کامل تری بیابند و مجموعه چند مفهوم حول یک مفهوم می‌توانند مفهوم یا مفاهیم جدیدی را شکل بدهند. در این مدل، نه تنها رابطه داشتن با سایر مفاهیم در تعیین محتوای یک مفهوم تأثیر می‌گذارد، بلکه نوع و قوت این روابط نیز می‌توانند بر یک مفهوم تأثیرگذار باشند؛ به‌عنوان مثال، مفهوم «مادر» و «فرزند» با یکدیگر رابطه نزدیکی دارند، از طرفی مفهوم «خانواده» نیز رابطه نزدیکی با «فرزند» دارد؛ اما هم نوع رابطه جفت اول و هم قوت رابطه آن دو با جفت دوم متفاوت است، به عبارت دیگر رابطه «مادر» و «فرزند» قوی‌تر از رابطه «خانواده» و «فرزند» است (همان، ۹).

در نظریه کره معنایی، مفاهیم با آنکه ارتباط نزدیکی با واژگان دارند؛ ولی با آن‌ها متفاوت‌اند؛ در این مدل نوع پیوندها در خود رابطه مشخص نمی‌شود، بلکه این سیستم استنتاجی ذهنی است که چگونگی این رابطه را تعیین می‌کند (همان، ۸). بدین صورت که مفاهیم نزدیک‌تر می‌توانند به صورت مستقیم با یکدیگر مرتبط باشند و مفاهیمی که از نظر معنایی از یکدیگر فاصله دورتری دارند با واسطه‌گری مفاهیم دیگر به یکدیگر مرتبط می‌شوند؛ به‌عنوان مثال، مفاهیم مادر، پدر، دختر، پسر و غیره می‌توانند به‌طور مستقیم به یکدیگر مرتبط باشند و از طرفی می‌توانند با واسطه مفاهیم دیگر نیز دوباره یا چندباره باهم مرتبط باشند (همان، ۱۲).

زمانی که بخواهیم از این روش در بررسی دلالت‌پژوهانه استفاده نماییم می‌توان دلالت‌های یک مفهوم قرآنی به‌عنوان یک کره معنایی را با یک کره معنایی دیگر ترسیم نمود. بدین معنا که ابتدا باید نشان داد که این دو مفهوم در قرآن چه ارتباط‌هایی با یکدیگر دارند و چه تأثیرها و تأثراتی از یکدیگر دارند. کدام یک مقدمه و کدام یک نتیجه هستند. کدام یک عام و کدام یک خاص و... و انواع بسیار زیاد روابط معنایی که می‌تواند بین مفاهیم و واژگان این دو کره معنایی برقرار شود. پس از ترسیم انواع مختلف این ارتباط‌ها، این بار باید مطالعه دلالت‌پژوهی آغاز شود؛ یعنی اینکه از این ارتباط‌ها بین این دو مفهوم قرآنی چه دلالت‌های راهگشایی در آن حوزه مطالعه موضوع موردنظر قابل‌دستیابی است.

شکل شماره ۱: انواع روابط معنایی بین واژگان زبان



۳) کاربردی‌ترین گام‌های انجام یک مطالعه دلالت پژوهی مبتنی بر معناشناسی در قرآن

مطالعاتی از این دست که به موضوع قرآن و سبک زندگی می‌پردازد را با دو نگاه می‌توان انجام داد، در روش اول، طرح کلی پژوهشمان را بر اساس علم موردنظر پی‌ریزی می‌کنیم و سؤالات و چارچوب‌های پژوهش را نیز با مراجعه به آن مشخص می‌نماییم. سپس با انبوهی از سؤالات، به سراغ قرآن می‌رویم و کوشش می‌کنیم تا اصول و مبانی آن علم و همچنین پاسخ پرسش‌هایی که در آن علم مطرح است را از قرآن به دست آوریم. برخلاف روش دوم که در آغاز با مفاهیم و موضوعات آن علم روبرو نمی‌شویم، بلکه ما پژوهش معناشناسی و دلالت‌پژوهی خود را انجام می‌دهیم و یافته‌ها را به علم موردنظر پیشنهاد می‌کنیم و صاحبان و عالمان آن علم خود به هر صورت که بخواهند از آن‌ها استفاده نمایند.

در اینکه تحقیق قرآنی را چگونه به انجام برسانیم نیز دو روش وجود دارد که یکی روش کلیدواژه محور است که در آن راه ورود ما به قرآن انتخاب یکی از واژگان قرآنی است که

می‌تواند نماینده شایسته‌ای برای موضوع ما بوده و راه ورود ما را به قرآن هموار سازد؛ و روش دوم موضوع‌محور است که در آن از ابتدا تا انتهای قرآن هر آیه‌ای که به موضوع ما ارتباطی می‌یابد ولو با واژگان مختلف را شناسایی و تحلیل می‌کنیم. در نوشتار حاضر، روش دلالت‌پژوهی بر مبنای روش «کلیدواژه» است؛ و در پنج گام طراحی و ارائه شده است.

الف) گام اول: استخراج آیات مربوطه بر اساس کلیدواژه موردنظر

در روش کره معنایی باید در آغاز دو یا چند مفهومی که قرار است با بررسی ارتباطات آن‌ها به دلالت‌هایی در سبک زندگی دست یافت را شناسایی نمود؛ برای نمونه پژوهشگری بر آن است تا با بررسی ارتباطات معنایی دو واژه «بیت» و «سکینه» در قرآن را با الگوی کره معنایی بررسی نموده و به دلالت‌هایی در باب سبک زندگی با هدف خانواده آرام دست یابد. طبیعی است در آغاز باید تمام موارد کاربرد دو واژه را در قرآن احصا نمود.

ب) گام دوم: انواع روابط معنایی بین دو مفهوم

دومین گام آن است که متن آیات قرآن که در بردارنده این دو مفهوم هستند را باید بر اساس دو محور هم‌نشینی و جانشینی تحلیل نمود. تا به ارتباطات بسیار وسیع‌تری از این دو مفهوم با مفاهیم دیگر دست یافت.

ج) گام سوم: انواع ارتباط مفاهیم در پرتو مدل کره معنایی

در این مرحله باید با مقایسه محصولات مرحله پیشین و با مقایسه نقاط تلاقی چه به صورت بی‌واسطه و یا باواسطه به برداشت انواع دلالت‌ها دست یافت؛ به عبارت دیگر، در این مرحله، ابتدا باید با تحلیل آیات دست یافت که در چه نقاطی بیت به صورت مستقیم با سکینه مرتبط است؛ و در چه جاهایی به صورت غیرمستقیم. برای نمونه در دو آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸) «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور، ۳۶) مفهوم ذکر وجود دارد و از کنار هم نهادن این دو به دست می‌آید که یکی از راه‌های دستیابی به خانواده آرام، آن است که در خانه ذکر خداوند جریان داشته باشد.

د) گام چهارم: دستیابی به دلالت‌های راهگشا در سبک زندگی

در این مرحله پژوهشگر دلالت‌ها را تحریر می‌کند. احصای دلالت‌ها در دو حالت ممکن است انجام شود. دلالت‌هایی که نخستین بار توسط پژوهشگر احصا می‌شود و دلالت‌هایی که ممکن است به وسیله پژوهشگر قبض و بسط یا تدقیق شود. در حالت نخست ممکن است پژوهش دلالت‌پژوهی برای نخستین بار روی موضوعی خاص انجام شود. در این حالت همه دلالت‌های احصایی صبغه نوآوری دارد؛ ولی بعضاً ممکن است

تعدادی از پژوهش‌های دلالت‌پژوهی در مورد موضوعی انجام شده باشد و پژوهشگر با گردآوری، تجمیع، اصلاح یا بازنگری مجموعه‌ای از دلالت‌ها را احصا کند. ذکر چند نکته در مورد این مرحله ضروری است:

۱. احصای دلالت‌ها از مآخذ منتخب فعالیت‌های خطی و محاسباتی دقیق نیست. بر همین اساس، لازم نیست به هر ابزار درست یا غلط و یا حرف سستی توجه نماییم تا بتوانیم میزان دلالت‌پژوهی‌ها را گسترش دهیم.
۲. احصای دلالت‌ها به خلاقیت ذهنی و مطالعات تفصیلی پژوهشگر از مآخذ قرض‌گیرنده و مآخذ قرض‌دهنده دلالت‌هاست.
۳. تنوع حوزه مطالعاتی پژوهشگر، در کشف و شناسایی دلالت‌های قرآنی می‌افزاید؛ برای نمونه اگر بتوان از متخصصان یک زمینه نیز برای رسیدن به دلالت‌ها در آن زمینه علمی استفاده نمود، بسیار مناسب‌تر است.
۴. استنادهای پژوهشگر درون متن دلالت‌ها به غنای دلالت‌ها می‌افزاید؛ به عبارت دیگر، دلالت‌پژوه قرآنی باید بتواند برای دلالت‌یابی خود استدلال نماید و به‌صرف طرح بدون دلیل تا آنجا که امکان‌پذیر است خودداری نماید.
۵. دلالت‌ها ممکن است به‌صورت گزاره‌های مختصر یا بندهای مفصل تنظیم شود.
۶. دلالت‌ها را می‌توان سطح‌بندی و دسته‌بندی کرد: دلالت‌های کلان، میانه و خرد؛ و یا دلالت‌های نظری و تئوری و یا دلالت‌های کاربردی و عملی تقسیم شوند.
۷. پژوهشگر ممکن است نوعی تصویر یکپارچه در ارائه دلالت‌ها به‌صورت روایتی ارائه دهد؛ به عبارت دیگر دلالت‌پژوه در ارائه دلالت‌ها از روش روایتی که خودساخته و تشخیص داده مناسب است، بهره برد.
۸. هر چه پژوهشگر دلالت‌ها را واضح‌تر بیان کند، زمینه‌سازی کاربردی آن توسط وی و یا پژوهشگران آتی بیشتر خواهد شد. به همین منظور، لازم است تا از کلی‌گویی‌ها و عبارت‌پردازی‌هایی که حالت شعاری به خود می‌گیرند اجتناب شود.
۹. در مورد حجم دلالت‌ها نمی‌توان درجه یا میزانی تعیین کرد؛ ولی اگر دلالت‌ها از خاصیت جامعیت و مانعیت برخوردار باشد، دلالت‌ها استحکام بیشتری خواهند دانست؛ به عبارت دیگر، از آنجا که یکی از معضلات و مشکلات و آسیب‌های قرآن‌پژوهی عدم توجه به ابعاد مختلف یک موضوع در قرآن است و گزینشی عمل می‌شود بهتر است جامعیت و مانعیت به‌عنوان دو مؤلفه مهم مورد توجه قرار گیرند (موارد فوق حاصل بازنویسی، توضیح، تکمیل، حذف، بومی‌سازی و ارتقا مواردی است که در منبع ذیل آمده است: دانایی‌فرد ۱۳۹۵، ۶۱-۶۲).

ه) اعتبارسنجی دلالت‌ها

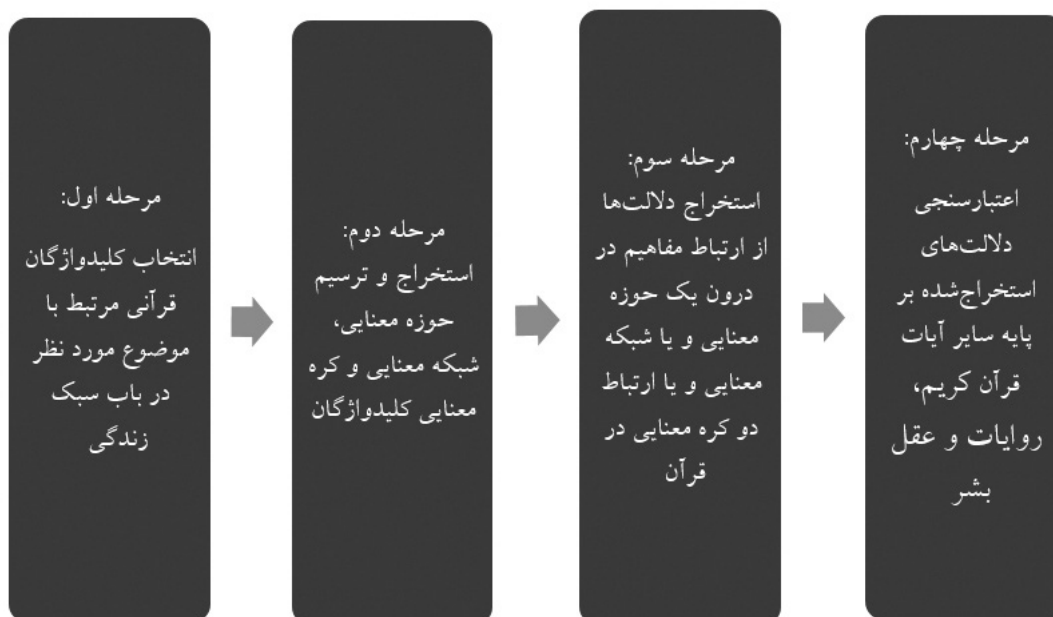
در بسیاری از موارد به جهت به کار بردن روش‌های معمول در دلالت‌یابی که در علوم زبانی قدیم و جدید وجود داشته، دلالت‌های به‌دست‌آمده از اعتبار لازم برخوردار هستند؛ اما به نظر می‌رسد بهتر است برای اعتبارسنجی این یافته‌ها - به‌ویژه آن‌ها که قدری از استحکام کمتری برخوردارند - نیز روش یا ملاک‌هایی ارائه گردد؛ یعنی برای اینکه اعتبار این دستاوردها بیشتر ترسیم گردد، لازم است از ملاک‌هایی استفاده شود. این ملاک‌ها می‌توانند از این قرار باشند:

الف: عرضه دلالت‌های به‌دست‌آمده به آیات قرآن: یعنی آیات قرآن بتوانند پشتوانه‌ای اطمینان‌بخش برای این یافته‌ها باشد و آن‌ها را تأیید و تقویت نمایند.

ب: عرضه دلالت‌ها به احادیث و سیره پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین (علیهم‌السلام): بر این اساس پیشنهاد می‌شود تا با جستجو و عرضه دلالت‌های به‌دست‌آمده، به سنت معصومان شواهدی را در جهت تأیید این برداشت‌ها ارائه نمود.

ج: عرضه دلالت‌های به‌دست‌آمده به معرفت و دستاوردهای عقل بشری: یکی دیگر از موادی که می‌تواند اعتبار این برداشت‌ها را تقویت نماید دستاوردهای علمی بشر است؛ به‌عبارت‌دیگر، هرگاه مطالب به‌دست‌آمده بر اساس یافته‌های بشر در حوزه‌های مختلف تأیید شود، می‌تواند اعتبار دلالت‌ها را افزایش دهد.

جدول شماره ۲: گام‌های انجام یک مطالعه دلالت‌پژوهی مبتنی بر معناشناسی در قرآن



۴) نمونه‌ای از کاربرست اجرایی فرایند دلالت پژوهی

برای نمونه ما بر آنیم تا دلالت‌هایی را از قرآن کریم درباره سبک زندگی که هدفش آرامش خانواده است دست یابیم؛ به عبارت دیگر، ما چه مؤلفه‌های سبکی در زندگی خانوادگی رعایت نماییم که آرامش در خانواده وجود داشته باشد. بر این اساس، ما دو مفهوم قرآنی «سکینه» و «بیت»^۱ که قرار است مورد چنین تحلیلی قرار گیرد را انتخاب و به دنبال ارائه طرحی زیبا و کاربردی در جهت یافتن دلالت‌ها حرکت می‌کنیم. در آغاز به ترسیم بسیار مختصری از کره معنایی این دو واژه می‌پردازیم و در ادامه، می‌توان دلالت‌های کاربردی از همان واژه را به دست آورد. در گام بعد، هریک از اجزای این کره معنایی یک‌بار با تمام اجزا کره معنایی واژه دیگری عرضه می‌شوند و به عبارت بهتر مرتبط می‌گردد و راه برای کشف و ارائه دلالت‌های کاربردی هموار گردد. بدیهی است با این شیوه، با انواع و اقسام بسیار گوناگونی از دلالت‌ها در امور مختلف مرتبط با این مفاهیم روبرو خواهیم شد.

الف) برخی از اجزا کره معنایی واژه بیت

در نگاه قرآن «بیت» مفهومی است که در آن «اهل» وجود دارد؛ برای نمونه: «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب، ۳۳) که خود شامل واژگانی همچون «امراه» و «بعل» و «ابن»... است. از جانب دیگر، بیت مفهومی است که می‌تواند جنسش از سنگ و چوب و پوست حیوانات باشد؛ برای نمونه: «وَ اللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْاَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّوْنَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ اِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ اَصْوَابِهَا وَ اُوْبَارِهَا وَ اَشْعَارِهَا اَتَانًا وَ مَتَاعًا اِلَىٰ حِيْنٍ» (نحل، ۸۰). به عبارت دیگر، قرآن انواع و اقسام مختلف مصالح را برای ساخت بیت تأیید کرده است و یا انواع مختلفی داشته باشد و... این خانه‌ها از نظر موقعیت جغرافیایی می‌توانند در کوه، دشت و... باشد. در قرآن کریم، بیت برای همه است و خدا، انسان‌ها و حیوانات خانه دارند؛ برای نمونه: «وَ اَوْحٰى رَبُّكَ اِلَى النَّحْلِ اَنِ اتَّخِذِ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَغْرِشُوْنَ» (نحل، ۶۸). بیت اجزای مختلفی دارد؛ از جمله در دیوار، قفل، پله و...؛ برای نمونه: «وَ لَوْ لَا اَنْ يَكُوْنَ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِصْفَةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهِا يَظْهَرُوْنَ» (زخرف، ۳۳) و نام هر یک در قرآن آمده است.

ب) برخی از اجزا کره معنایی واژه سکینه

از جانبی دیگر واژه سکینه در قرآن و به‌طور کلی سه ریشه «سکن» مفهومی است متعالی

۱. لازم به یادآوری است در انتخاب کلیدواژگان قرآنی باید بسیار دقت شود و الا ممکن است فرایند تحقیق مسیر متفاوتی به خود بگیرد. بر این اساس، لازم است اگر کلمات مترادف نیز وجود دارد (مانند کلمه «دار» در کنار «بیت») در یک فرایند مشابه در دلالت‌پژوهی مشارکت داده شود و آنگاه نتایج تحقیق در کنار هم دیده شده و مورد استفاده قرار گیرد.

که باید از آسمان «نازل» شود؛ همانند باران و قرآن و این مفهوم می‌رساند که عامل و نقش «خداوند» در این‌باره بسیار پررنگ است. (انزل الله سکینته) از جانبی دیگر سکینه همواره در کنار «مؤمنین» نیز به کار می‌رود؛ یعنی ایمان انسان زمینه‌ساز نزول سکینه قرآنی است. مأوی و مسکن آرامش در «قلب» است «هُوَ الَّذِي أُنزِلَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذَكِّرُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (فتح، ۴)؛ یعنی سکینه در وجود انسان است. در چیزهایی که نوعی درون را در خود دارند؛ مانند خانه که اهالی را در خود جای داده است. سکینه خداوندی در قلوب مؤمنین از دو صفت «علیم» و «حکیم» بودن او نشئت می‌گیرد؛ یعنی سکینه بدون علم و حکمت به وقوع نخواهد پیوست. شرط سکینه آن است که اقداماتمان در هر عرصه‌ای مبتنی بر این دو صفت باشد. مفهوم سکینه غالباً در سیاق‌هایی که در ادامه آن بحث «جنود» الهی است، مطرح شده؛ یعنی در محیط‌هایی به‌مثابه نبرد. خانه نیز می‌تواند محل نبرد با اهریمنان باشد. در مواردی نیز سکینه در کنار مفهوم آل یا اهل که بار خانوادگی دارند به‌کاررفته و نقش توجه به ریشه، اصل یا گذشتگان و عقبه انسان‌ها را در ایجاد آرامش می‌رساند.

از دیگر مفاهیم مرتبط با سکینه همسر است؛ یعنی ازواج را خداوند جهت سکونت انسان آفریده است، البته اگر مشتقات دیگر سکن را در چنین فرایندی تحلیل نماییم مفاهیم بیشتری خواهیم داشت.

ج) حلقه اتصال این دو کره معنایی

بر اساس آیات قرآنی می‌توان حلقه اصلی ارتباط‌دهنده این دو مفهوم با یکدیگر را در آیه ذیل مشاهده نمود. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل، ۸۰) در این آیه بر ارتباط وثیق دو مفهوم قرآنی «بیت» و «سکینه» تأکید شده که خداوند بیوت شما را محل سکون شما قرار داد. این دو شبکه معنایی به یکدیگر گره خورده و نشان می‌دهد که این دو مفهوم مرتبط و متصل‌اند و می‌توانند انواع مختلفی را از روابط بیابند. از جانبی دیگر، مفهوم لیل نیز هم‌نشین سکینه است و یکی از موارد فواید پدیده «لیل» ایجاد «سکینه» برای انسان است. «جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ» (غافر، ۶۱). این در حالی است که مفهوم بیت نیز با شب بسیار متصل و مرتبط است؛ به‌گونه‌ای که اصل این واژه نیز از بات و... گرفته شده که به معنای شب را در جایی مانند است.

د) دلالت‌های کاربردی از ارتباط این کره معنایی

در آغاز کوشش می‌کنیم تا ارتباط دو مفهوم را با الگوی کره معنایی باهم بسنجیم و دلالت‌ها را شناسایی نماییم. واژه بیت و سکینه با این نگاه که تمام اجزای شبکه معنایی

بیت می‌توانند در کنار سکینه قرار گیرند و دلالت‌هایی را بسازند. یکی از اصول سبکی خانواده در قرآن آن است که بیت باید محلی برای سکینه باشد، نه محلی برای انواع اختلاف‌ها و درگیری‌ها و رقابت‌ها که نیازی به جنود (یارکشی) باشد. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل، ۸۰)؛ بنابراین، هر موضوعی که می‌تواند این هدف را مختل کند، لاجرم باید از بیت حذف شود.

دو) اگر مفهوم قرآنی سکینه را در ابتدای تعبیر قرآنی اهل خانه (اهل بیت) قرار دهیم دلالت‌هایی از این دست به دست می‌آید: اول آنکه در سبک زندگی اسلامی این سکونت و آرامش باید شامل همه اهل خانه باشد؛ از فرزندان و همسر و سایر خویشاوندانی که می‌توانند در خانه حضور داشته باشند؛ به عبارت دیگر، باید این مطلب نیز به‌عنوان یک اصل در خانه‌داری به افراد آموزش داده شود که هر فرد حق آرامش در خانواده را دارد و همچنین در خانه سهمی در ایجاد آرامش برای دیگران دارد و باید کوشش خود را در این باره منظور دارد؛ برای نمونه به‌صراحت در قرآن به نقش همسران در ایجاد آرامش اشاره شده است (اعراف، ۱۸۹؛ روم، ۲۱).

سه) در سبک معماری نیز باید به این عنصر توجه ویژه شود که خانه جایی است که سقفی برای زندگی باشد چه از آهن، پارچه، نخ و... این مطلب از توصیفات مختلف خداوند از انواع خانه در قرآن به دست می‌آید؛ اما نمی‌تواند بدون مفهوم سکینه باشد؛ یعنی همه اجزای خانه باید سکینه و آرامش‌زا باشند؛ از طراحی خانه بابت زاویه تابش خورشید به درون اتاق‌ها، انتخاب مصالحی که در ساخت استفاده می‌شود، نوع سرامیک، نوع گچ‌بری و طراحی آشپزخانه اتاق خواب و سرویس‌ها و انواع رنگ‌های به‌کاررفته در ساختمان، همگی باید به انسان احساس آرامش دهد، نه اضطراب و استرس و گرفتاری‌هایی عدیده؛ زیرا قرآن تعبیر «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» را که به‌کاربرده است، قطعاً هرچه آرامش انسان را به هم بزند از این تعبیر قرآنی خارج می‌شود (برای اشارات قرآنی در این باره نک: اخوت ۱۳۹۴).

چهار) از دیگر اصول سبک زندگی اسلامی، ارتباط مفهوم بیت با امنیت است؛ یعنی در تمام مسائلی که به‌نوعی درباره خانه و خانواده وجود دارد باید امنیت حاکم باشد. «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا...» (بقره، ۱۲۵)، «...وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...» (آل عمران، ۹۷) بیت در تقسیم‌بندی قرآن هم برای انسان‌ها و هم برای خداوند و هم برای حیوانات است. خانه‌ها مکان‌هایی مقدس هستند و همان گونه که خداوند نیز برای خود خانه‌ای برگزیده و آورده است و «مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» خانه‌های انسان‌ها نیز باید امنیت روحی و روانی و جسمی به‌عنوان یک اصل مورد توجه قرار گیرد تا بتواند بستری جهت رشد و شکوفایی این نهاد را فراهم آورد، هم امنیت جسمی و هم امنیت روانی و روحی.

هرگونه اقدام در طراحی خانه که امنیت خانه را پایین می‌آورد از نقشه‌کشی، انتخاب مصالح نامن و یا پیکربندی نایمن ساختمان درست نیست و باید حذف شود.

پنج) در انتخاب انواع اثاث خانه که نهایت سبک وسایل موجود در خانه را تعیین می‌کند نیز باید عنصر آرامش و امنیت بر انتخاب‌ها حاکم باشد. از دیگر اجزای خانه در قرآن واژه اثاث است. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأُوبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ» (نحل، ۸۰) اثاث‌های خانه نیز باید آرامش و ایمنی در خانه بیفزایند. به همین جهت به‌کارگیری اثاث‌های پرسروصدا و آن دسته از اثاث‌هایی که ایمنی پایینی دارند، از هر نوع می‌تواند در بلندمدت بر کاهش آرامش اهل خانه تأثیرگذار باشد.

شش) در سبک زندگی اسلامی در خانه همواره باید نام و یاد خداوند همچون نماز و دعا و قرآن و... جریان داشته باشد تا بتوان به امید آرامش بود. «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور، ۳۶)؛ اگر در خانه ذکر خداوند کنار رود و یا کمرنگ شود اذکار دیگر و اولویت‌های دیگر جایگزین می‌شوند و روزبه‌روز بعد آرامشی خانه فروکش می‌کند (بسیاری از روایات اهل بیت علیهم‌السلام در آثار و برکات اذان گفتن در خانه به‌عنوان یکی از مصادیق ذکر خدا وارد شده است؛ برای نمونه نک: کلینی ۱۴۲۱، ۳، ۳۰۸، ۶ و ۱۰).

هفت) همواره باید رفتارهای خانوادگی اعضا خانواده مبتنی بر دو عنصر علم و حکمت هر چه این دو عنصر در کنار هم در خانه‌ها بیشتر لحاظ شود زمینه‌های ایجاد مسکن بیشتر مهیا می‌شود. بسیاری از روایات در جهت تعلیم علم و حکمت در رفتار اعضای خانواده با یکدیگر مانند فرزندان با پدر و مادر و بالعکس و همسران با یکدیگر از اهل بیت علیهم‌السلام برای ما به یادگار مانده است که می‌تواند ما را در کسب این عناصر مهم یاری رساند.

هشت) علم و حکمت در تمام اجزا خانه‌سازی باید رعایت شود در انتخاب مصالح در انتخاب نقشه در انتخاب همسر در انتخاب محل خانه و... به‌عبارت‌دیگر، هم بعد فنی (علم) (پیوست کارشناسی و ایمنی) و هم بعد پیوست فرهنگی (حکمت) ساخت خانه باید رعایت شود.

نه) از نگاه قرآن، یکی از عواملی سبک‌ساز که می‌تواند آرامش را در خانه به وجود آورد حضور نام و یاد خداوند است؛ یعنی این توجه و اهمیت هم در موقعیت و زمینی که محل ساخت خانه است و هم در تهیه اقلام معیشتی موردنیاز خانواده رعایت شود. پاک بودن، عدم ظلم و... باید همواره لحاظ شود. انبوهی از روایاتی که درباره مال حلال و کوشش در جهت کسب روزی حلال برای خانواده وارد شده است می‌تواند تأییدی بر این دلالت‌ها باشد.

نتیجه گیری

۱. کاربردی سازی پژوهش های قرآنی بدون ایجاد حلقه وصل مطالعات نظری و مطالعات کاربردی همچون مطالعات سبک زندگی امکان پذیر نیست.
۲. لازمه پیوند مطالعات سبک زندگی اسلامی با مطالعات قرآنی که منجر به کاربردی سازی مطالعات قرآنی می شود، هم ایجاد بسترهای نظری روش شناسی و هم ارائه روش های متناسب است.
۳. نظر به گسترش کمی و کیفی دانش معنانشناسی در قرن اخیر و به تبع آن مطالعات مربوط به معنا در قرآن کریم، این دانش می تواند از دانش های پایه ای در مطالعات میان رشته ای سبک زندگی اسلامی به حساب آید.

پیوست ۱: پیشنهادهایی برای سایر پژوهشگران

- نقد و بررسی روش دلالت پژوهی به مثابه یک روش در مطالعات علوم انسانی؛
- ارائه الزامات روش شناسی سبک زندگی اسلامی در روایات؛
- ارائه روش شناسی های ویژه در باب مطالعات سبک زندگی در قرآن و حدیث؛
- روش تحقیق تخصصی در حوزه های مختلف سبک زندگی اسلامی؛ مانند سبک زندگی اسلامی درباره معماری؛
- تحلیل روش شناسی مطالعات سبک زندگی اسلامی بر پایه آثار محققان داخلی و خارجی در باب سبک زندگی؛
- انجام پژوهش هایی در سبک زندگی اسلامی با روش معرفی شده در این پژوهش.

منابع

* قرآن کریم

۱. اخوت، هانیه. ۱۳۹۴. بررسی نقش آیات قرآن و احادیث شیعه در شکل‌گیری کالبد مسکن سنتی. مجله علمی- پژوهشی شیعه‌شناسی ۱۳(۵۲): ۱۹۱-۲۳۴.
۲. پالمر، فرانک. نگاهی تازه به معناشناسی. ترجمه کوروش صفوی. ۱۳۷۴. تهران: نشر مرکز ذهبی.
۳. پهلوان‌نژاد، محمدرضا و دیگران. ۱۳۸۸. کره معنایی، رویکردی جدید به نظریه شبکه‌های معنایی. زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (ع): ۱-۳۴.
۴. تامپسون کلاین، جولی. ترسیم نقشه مطالعات میان‌رشته‌ای. ترجمه منصور متین. ۱۳۹۱. تهران: انتشارات سیمای دانش.
۵. خمینی، سید روح‌الله. ۱۳۷۵. آداب الصلوه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. دانایی‌فرد، حسن. ۱۳۹۵. روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا. سراسر اثر. فصل‌نامه علمی- پژوهشی روش‌شناسی علوم ۲۲(۸۶): ۳۹-۷۱.
۷. درزی، قاسم، احمد پاکتچی، و احمد فرامرز قراملکی. ۱۳۹۵. الزامات روش‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم (بررسی نمونه محور آثار مرتبط با معناشناسی). دو فصل‌نامه علمی- پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث ۱۰(۱): ۳۵-۷۱.
۸. دلبری، سید محمد. ۱۳۹۵. دلالت‌های تربیتی معناشناسی «قلب» در قرآن کریم. پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن ۴ (۱): ۸۱-۱۰۶.
۹. ساروخانی، باقر. ۱۳۷۵. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. سبزواری، ملا هادی. بی‌تا. منطق منظومه. تصحیح مصطفوی.
۱۱. شمشیری، بابک، و علی شیروانی. ۱۳۹۰. مفهوم صبر در قرآن و دلالت‌های فلسفی و تربیتی آن. دو فصل‌نامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی ۶(۱۳): ۷۹-۹۸.
۱۲. ----- ۱۳۹۲. تأملی در معنای حب در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی ۲۱(۱۸).
۱۳. صفوی، کوروش. ۱۳۸۳. درآمدی بر معناشناسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. چاپ دوم.
۱۴. عمر، مختار. روش‌های معناشناسی نوین در پژوهش‌های قرآنی. ۱۳۸۵. ترجمه قاسم بستانی.
۱۵. فعالی، محمدتقی. ۱۳۹۷. مبانی سبک زندگی اسلامی. قم: مؤسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین. چاپ دوم.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۲۱. الکافی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

۱۷. لارسن، میلدرد. اصول و مبانی نظری، ترجمه صدیقه امیر شهنازی. ۱۳۹۱. تهران: انتشارات استادی. چاپ چهارم.

۱۸. لسانی فشارکی، محمدعلی، و طیبه اکبری راد. ۱۳۸۵. کاربرد روش‌های معناشناسی در قرآن کریم. مجله صحیفه مبین ۳۹: ۶۲-۷۷.

۱۹. محققیان، زهرا. ۱۳۹۴. دلالت‌های تربیتی داستان موسی و خضر. اندیشه‌های نوین تربیتی ۱۱(۴): ۱۵۱-۱۷۸.

20. www.hawzah.net/fa/Article/View/92627